



وهاب دانش بڑوہ

بسم الله الرحمن الرحيم . إقرأ باسم ربك الذي خلق . خلق الانسان من علق . إقرأ و ربك الاكرم . الذي علم بالقلم . علم الانسان ما لم يعلم . (علق، ۱/۹۶-۵) بنام خداوند رحمان و رحيم . بخوان بنام پروردگارت که آفرید . انسان را از خون بسته ای (آویخته به دیواره رحم) آفرید . بخوان که پروردگار تو کریم تر است . او که به وسیله قلم یاد داد . به انسان آنچه را نمی دانست بیاموخت .

با نزول آیاتی از این سوره بر نبی اکرم (ص)، دین مبین اسلام تولد یافت و رسالت جهانی آن حضرت آغاز شد . پیامبر گرامی اسلام (ص) مأموریت یافت تا قرآن را بخواند و با همین قرائت پیوسته ، آن را دریافت کند . آموزش قرآن با إقراء فرشته وحی آغاز شد و با استماع و تکرار نبی اکرم (ص) صورت گرفت ، و آن جناب نیز با تلاوت آیات الهی آن را به مسلمانان تعلیم داد . شروع رسالت قرآنی با قرائت و إقراء پیوند آئین محمدی (ص) را با آموزش و تعلیم نشان می دهد؛ و اشاره به قلم ، بیانگر اهمیت خواندن و نوشتن در این مکتب است . آری اسلام با جهل و عناد مبارزه می کند و با تبلیغ و روشنگری ، پیروان خود را تعلیم می دهد و آنان را افرادی آگاه و حق محور تربیت می کند .

خلقت انسان از نطفه ای آویزان و چسبنده بر دیواره رحم ، نمونه ای از لطف پروردگار محسوب می شود ، و تعلیم او به وسیله قلم ، عنایت دیگری است که خداوند کریم به نوع

انسان دارد. چرا که کرامت انسانی با آموزش و تعلیم گره خورده و به واسطه همین تعلیم و تعلّم بر فرشتگان برتری یافته است.

چنانکه در آیات ذیل به آن اشاره کرده است:

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ . قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ... (بقره، ۲/۳۱-۳۳). قَالَ أَرَأَيْتَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأُحْتَكِنَ ذُرِّيَّتَهُ الْآقِلِيَّاءَ . (اسراء، ۱۷/۶۲). وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً . (اسراء، ۷۰/۷۰)، الرحمن . علم القرآن . خلق الانسان . علمه البيان . (الرحمن، ۱/۵۵-۴)

با نگاهی دقیق به عالم می توان جلوه های خداوند کریم را بیشتر دید و صحنه های کرامت را بهتر تماشا کرد. نظام خلقت آینه کرامت الهی است که انوار کریمانه اش در سراسر آن پرتو افکنده و چشمان حقیقت جو را خیره ساخته است:

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجِينَ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ . (ذاریات، ۴۹/۵۱)، أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ . (شعراء، ۷/۲۶)

خلقت جهان، آفرینش انسان را از نطفه ای چسبان، تدبیر امور و ربوبیت خالق، تعلیم انسان و قرار دادن او در بستر کرامت، تعلیم شخصی امی و برگزیدن او به عنوان پیامبر خاتم، همه و همه جلوه هایی از لطف و کرم پروردگاری است که خود را اکرام و کریم تر معرفی می کند. در نظام کریمانه همه جا سخن از کرامت است و ارکان مختلف آن با کرامت همراه: فتعالی الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم . (مؤمنون، ۱۱۶/۲۳) صاحب این نظام کریم است و اکرم: فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ . (نمل، ۴۰/۲۷) یا ایها الانسان ما غرک یرتک الکریم . (انفطار، ۶/۸۲)، إقرأ ورتک الاکرم . (علق، ۳/۹۶) مقربان درگاه ربوبی به کرامت تعریف می شوند و فرشتگان او کریمانه رفتار می کنند: وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُکْرَمُونَ . لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعلمون . (انبیاء، ۲۱/۲۶-۲۷). عالم کلاس کرامت است و مبصران این کلاس و کاتبان خیر و شر و حتی مأموران تنبیه به دور از کرامت رفتاری ندارند: کراماً کاتبین . (انفطار، ۱۱/۱۱). هل أتاک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین . (ذاریات، ۲۴/۵۱) پیک وحی کریم است: إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذی قوّه عند ذی

العرش مکین، مطاع ثم امین. (تکویر، ۱۹/۸۱-۲۱) بآیدی سفره. کرام بررة. (عبس، ۱۶/۸۰-۱۵) و پیامبر خدا نماد کرامت: و جائهم رسول کریم. (دخان، ۱۷/۴۴)

و آیات نازل شده برگ های زرین کرامت محسوب می شوند: کلاً إِنَّهَا تَذْكَرُهُ. فمن شاء ذكروه. فی صحف مكرمه. مرفوعة مطهّره. (عبس، ۱۱/۸۰-۱۴) إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ. (واقعه، ۵۶/۷۷) رفتار پیامبران: قالت يا أيها الملا إني ألقى إلى كتاب كريم. انه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم. ألا تعلقوا على و أتوني مسلمين. (نمل، ۲۷/۲۹-۳۱). و منش عباد الرحمن همواره کریمانه است و خداوند به خاطر همین رفتار از آنان تمجید می کند: و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً... و الذين لا يشهدون الزور و إذا مروا باللغو مروا كراماً. (فرقان، ۶۳/۲۵ و ۷۲)

قرآن کریم مهربانی با پدر و مادر را سفارش فرموده و بر رفتار و گفتار کریمانه با آنها تأکید کرده است: و قضی ربك ألا تعبدوا إلا آياه و بالوالدين احساناً إنا يبلغنّ عندك الكبر أحدهما أو كلاهما فلا تقل لهما أف و لاتنهرهما و قل لهما قولاً كريماً. (اسراء، ۱۷/۲۳) همچنین از کسانی که به یتیمان اکرام نمی کنند انتقاد شده، چرا که اکرام همان برخورد کریمانه است و با احسان تفاوت دارد، و چه بسا آدمی بهره مندی از نعمت های دنیوی را اکرام پروردگار و تنگی روزی را نوعی توهین پروردگار تلقی کند، در حالی که در فرهنگ قرآنی، چنین تفکری مردود است: فاما الانسان اذا ما ابتلاه ربه فاكرمه و نعّمه فيقول ربى أكرمن. و اما إذا ما ابتلاه فقدر عليه رزقه فيقول ربى أهانن. كلاً بل لا تكرمون اليتيم. (فجر، ۱۵/۸۹-۱۷)

رزقی که پروردگار عطا می کند جنسی از کرم دارد، و اعمال انسان بواسطه کرامت ارزش می یابد. اجر و پاداش الهی نیز با رنگ کرامت مزین شده است: فالذين آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و رزق كريم. (حج، ۲۲/۵۰) من الذى يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له و له اجر كريم. (حديد، ۵۷/۱۱) پذیرایی پروردگار کریم به ویژه در ضیافت رخصانی، کرامت انسانی و تقرب به خداست.^۱

فلسفه بعثت رسول خدا(ص) نیز تکمیل مکارم اخلاق معرفی شده است.^۲ شخصیت انسانی با کرامت تعریف می شود و معیار ارزیابی کرامت تقواست: إن أكرمكم عند الله أتقاكم. (حجرات، ۴۹/۱۳) با اطاعت از خدا و سجده و عبادت است که تحصیل تقوا میسر می شود و آدمی در مسیر کرامت انسانی قرار می گیرد. نعمت کرامت آن اندازه مهم است

که بزرگان دین و اهل معرفت از داشتن آن خوشنوداند و محرومیت از کرامت را درد غیر قابل تحمل می‌دانند.^۳ از این رو تلاش عارفان وارسته رسیدن به مقام قرب و بهره‌مندی از کرامت الهی است.

مقام انسانی

انسان خلیفه خداست و این مقام والا با سرمایه کرامت عجین شده و با شکوفایی این استعداد خدادادی تجلی می‌یابد: اذ قال ربك للملائكة ائني خالق بشراً من طين . فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين . (ص، ۷۱/۷۲-۷۳). شیطان، این دشمن قسم خورده انسان، همواره سعی می‌کند تا بنی آدم را از مسیر کرامت منحرف کرده و او را از مقام خلیفه الهی ساقط نماید. چرا که این تکریم الهی باعث شد تا ابلیس ملعون حسودی ورزد و به مقام انسان سجده و تعظیم ننماید: قال أرايت هذا الذي كرمت علي لئن أخرجتني إلى يوم القيامة لأحتكن ذريته إلا قليلاً . (اسراء، ۱۷/۶۲) بنابراین میل به دنائت و پستی و ماندن در منجلاب رذایل اخلاقی، خواسته شیطان است و حرکت در مسیر کرامت انسانی و تحصیل فضایل اخلاقی، بینی او را به خاک می‌مالد.

انسانی که از کرامت برخوردار است خود را به گناه و انحراف آلوده نمی‌کند و پیوسته در مسیر تزکیه و پاکی گام برمی‌دارد، و کسی که مقام انسانی خود را فراموش کند در وادی حیوانی سرگرم می‌شود: قد افلح من زكبيها . و قد خاب من دسيها . (شمس، ۹۱/۹-۱۰) و لا تكونوا كالذين نسوا الله فأنساهم أنفسهم أولئك هم الفاسقون . (حشر، ۵۹/۱۹)

چرا که ایمان به خدا و اطاعت از او ثمره کرامت انسانی است و طغیان و کفر با این کرامت سازگاری ندارد: و من يهن الله فما له من مكرم . (حج، ۲۲/۱۸). و قد خاب من دسيها، (شمس، ۹۱/۱۰) آن که کرامت خویش باخته، خود را ضایع ساخته و در خط شیطان قرار گرفته است: و جاء من أقصى المدينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين . اتبعوا من لا يستلکم أجراً و هم مهتدون . و ما لی لأعبد الذی فطرني و إليه ترجعون . أتأخذ من دونه آلهة إن یردن الرحمن بضرٍ لانغن عتی شفاعتهم شیئاً و لا ینقذون . انئی اذألفی ضلال مبین . انئی آمنتم بربکم فاسمعون . قبل ادخل الجنة قال یا لیت قومی یعلمون . بما غفرلی ربی و جعلنی من المکرمین . (یس، ۳۶/۲۰-۲۷)

در روایات اهل بیت (ع) با تأکید بر کرامت انسانی آمده: آن کس که دارای کرامت است، خود را با ارتکاب گناه و معصیت آلوده نمی‌کند و مقام انسانی خویش (عزت نفس) را ضایع نمی‌سازد.^۴

سخنان گهربار پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در این باره بسیار است به گونه‌ای که گوهر کرامت به عنوان زیربنای اخلاق اسلامی محسوب می‌شود. در روایتی از امام هادی (ع) می‌خوانیم:

هر که کرامت نفس نداشته باشد (برای خود شخصیت قائل نشود) از شر او در امان مباش.^۵

پیامبر اکرم (ص) مصداق بارز انسانی با کرامتی است که به مقام خلیفة اللہی نایل آمده و فرشته وحی بر او نازل می‌شود و آیات الهی را به محضرش عرضه می‌دارد. در مقابل، ابوجهل نمونه‌ای از انسان سرکش و بی‌کرامتی است که در مسیر شیطانی قرار گرفته و با دین حق سازگاری ندارد و بندگان حق جو را از عبادت پروردگار باز می‌دارد.^۶ نظام هستی بستر کریمانه‌ای است که انسان را به سوی کرامت و پاکی از پستی‌ها دعوت می‌کند. خلقت انسان و تعلیم او دو نعمت بزرگی است که پروردگار کریم به نوع بشر ارزانی داشته و او را تکریم نموده است. نه تنها او را عدم به عرصه وجود آورده و جامه برتری به سایر مخلوقات را بر تن او پوشانیده است، بلکه با نعمت عقل و بصیرت، مقام انسانی را بالاتر برده و با هدایت او در مسیر سعادت، زمینه تحقق خلیفة اللہی را فراهم ساخته است: هل أتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً. انا خلقنا الإنسان من نطفة أمشاج نبتلیه فجعلناه سمیعاً بصیراً. انا هدیناه السبیل إنا شاکراً و إنا کفوراً. (انسان، ۱/۷۶-۳) چه نیکوست آدمی در مسیر کرامت خویش گام بردارد و در این طریق ثابت قدم باشد. آری برای چنین انسانی بهشت برین مزین شده و برای میزبانی از او لحظه شماری می‌کند، تا با حضور صاحبان کرامت بزم عباد مکرمون رونق گیرد و حلقه ضیوف الرحمان صفا یابد: أولئک فی جنات مکرمون. (معا، ۳۵/۷۰) إلا عباد الله المخلصین. أولئک لهم رزق معلوم. فواکه و هم مکرمون. فی جنات النعیم. (صافات، ۴۰/۳۷-۴۳)

کرامت به معنای بزرگواری بوده و بخشندگی از لوازم آن است. کرامت در مقابل اهانت قرار دارد و همان گونه که احترام و ارجمندی از آثار کرامت است، ذبونی و خواری از لوازم

اهانت محسوب می شود. فرد کریم همواره بزرگواری دارد و با مخاطب خویش کریمانه رفتار می کند و بیش از استحقاق مخاطب به او می بخشد. کسی که کرامت دارد بر خلاف شأن انسانی اقدامی نمی کند و خود را دچار ذلت و خواری نمی سازد. عالم کلاس کرامت است و افراد بشر شاگردان این مکتب اند و باید در تحصیل کرامت انسانی و فضایل اخلاقی بکوشند. در این مکتب نظام آموزشی و ترسیم کننده آن، معلم و مبصران کلاس، متن درسی و امتحان، نمره قبولی و مدرک تحصیلی، تشویق و تنبیه، پاداش و نتیجه، همه و همه با معیار کرامت تعریف می شوند.

۱. و أقبل إلینا بوجهک الکریم و اقبل تقرّبنا الیک و انظر إلینا نظرة رحیمة نستکمل الکرامة عندک . مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

اللهم إنا نرغب إلیک فی دولة کریمه تعزّبها الاسلام و أهله... و ترزقنا بها کرامة الدنیا و الآخرة . مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

أیها الناس انه قد أقبل الیکم شهر الله بالبرکة و الرحمة و المغفرة... هو شهر دعیتم فیہ إلی ضیافة الله و جعلتم فیہ من أهل کرامة الله . بخشی از خطبه رسول خدا(ص)، فضائل الأشهر الثلاثة، نوشته شیخ صدوق / ۷۷.

۲. إنما بعثت لائمم مکارم الاخلاق، بحارالانوار، ۶۸ / ۳۸۲.

۳. إلهی و سیدی و مولای و ربی صبرت علی عذابک فکیف أصبر علی فراقک و هبنی صبرت علی حرّ نارک فکیف أصبر عن النظر إلی کرامتک . معبود من! آقای من! سرور و پروردگارم! بر فرض که بر عذاب تو صبر کردم اما چگونه دوری تو را تحمل کنم؟ گیرم که بر سوزش آتش صبر نمایم ولی چگونه از کرامت تو چشم پوشی کنم؟ مفاتیح الجنان، فرازی از دعای کمیل.

۴. من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیة . مستدرک الوسائل، ۳۲۰ / ۹. من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنیا . بحارالانوار، ۶۷ / ۷۸. من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته . نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.

۵. من هانت علیه نفسه فلا تآمن شره . بحارالانوار، ۷۲ / ۲۸۰.

۶. در شأن نزول این سوره وارد شده: موقعی که رسول گرامی اسلام(ص) در کنار کعبه به نماز و راز و نیاز می پرداخت، ابوجهل برای آن حضرت ایجاد مزاحمت می کرد و او را از ادای نماز باز می داشت. مجمع البیان، ۵ / ۵۱۳.